

نویافته‌هایی دربارهٔ ملاحادی سبزواری

علی صدراپی خوبی

چکیده:

فلسفه اسلامی در سدهٔ سیزدهم هجری بدون نام ملاحادی سبزواری ناشناخته است. با توجه به شرایط خاص و حساس سیاسی و اقتصادی این دوره تاریخ مدونی از سیر تطور فلسفه در این دوره در دست نیست. جنگ‌های ایران و روس در نیمهٔ اول این سده دوره تاریکی را در سراسر ایران زمین حاکم ساخت که آثار آن در نیمهٔ دوم این قرن و حکومت پنجاه سالهٔ ناصرالدین شاه، به خوبی محسوس است. در این دوره خاص تاریخی اسرار فیلسوفی است که با تدریس و تلاش‌های علمی خود نور معرفت در جامعه می‌افشاند و شاگردانش از دور و نزدیک در حوزه علمی وی گرد آمدند. تنوع مراجعات علمی وی و کثرت شاگردانش موجب گشته که علیرغم تلاش‌های ارزشمندی که در این زمینه صورت گرفته - خصوصاً کاوش‌های علمی زنده یاد سید جلال‌الدین آشتیانی، در انتشار مجموعه آثار وی - هنوز گوشه‌هایی از تلاش‌های عملی وی پوشیده مانده و شاگردانی از جرعه تلامذهٔ وی در قلم نیایند.

در این نوشتار نکته‌ها و اطلاعات تازه‌ای که در دو عرصهٔ یاد شده، دستگیر نویسنده شده، تقدیم ارباب فضل می‌گردد. در ابتدا مدخلی در شرح حال کوتاه و نام

آثار و شاگردان حکیم سبزواری آمده سپس نویافته‌هایی درباره آثار و شاگردان این حکیم سترگ در چند بخش تقدیم گردیده و در پایان چند نسخه متعلق به سبزواری‌ها، که در کتابخانه مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود، معرفی شده است.

۱. مقدمه

۲. کهن‌ترین نسخه دیوان اسرار با تصحیح خود وی

۳. مکتوب میان آبادی

۴. دو شاگرد فاضل

۵. چند اثر جدید

امید است این نوشته با تدقیقات محققان و نکته‌سنجان، مراحل رشد و کمال را طی کند.

(۱)

مدخل

در اینجا زیست‌نامه کوتاهی از اسرار با اسامی شاگردان و آثار وی تقدیم می‌گردد:

۱/۱. بیوگرافی کوتاه حکیم سبزواری

حکیم سبزواری، حاج ملا هادی (ره)، از بزرگ‌ترین فیلسوفان اسلامی است. دانشمندان معاصر و بعدی، او را ارسطوی زمان خود شمرده‌اند. وی در فلسفه و عرفان به یکسان چیره دست و توانا بود؛ او نمونه‌ای عالی حکیمانی بود که هم در حکمت نظری استادند و هم در عرفان و تجربیات معنوی.

زمانی که متولد شد (یعنی سال ۱۲۱۲ ق)، نوزده سال از حکومت «قاجار» در ایران می‌گذشت. فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه در زمان حیات او بر ایران حکم می‌راندند.

پدرش حاج میرزا مهدی، از تاجران معتبر، مؤمن، سخاوتمند و جوانمرد سبزواری بود. او وقتی هادی ۱۰ ساله بود، هنگامی که از سفر حج باز می‌گشت، در شیراز

از دنیا رفت و هادی از آن پس تحت سرپرستی و نظارت عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری، به زندگی و تحصیل ادامه داد.

حاج ملا حسین، عالمی فاضل و عارفی وارسته بود و تأثیر فوق‌العاده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت علمی و عملی حکیم سبزواری داشت؛ آن چنان که پس از ۱۰ سال شاگردی در محضر او، ملاهادی به عنوان یک استاد کامل و فاضل در فقه و اصول مشهور شد.

سال ۱۲۳۲ق، به قصد زیارت خانه خدا از مشهد بیرون آمد، ولی وقتی بین راه به اصفهان وارد شد و حوزه درس ملا اسماعیل درب کوشکی اصفهانی را دید، از رفتن به حج منصرف شد و ده سال در اصفهان ماند. ملا اسماعیل، معلوماتی عمیق و بیانی بسیار شیوا داشت. فلسفه، منطق و عرفان و فقه از جمله درس‌هایی بود که ملاهادی در اصفهان از محضر او و اساتید بزرگ دیگری به نام محمد ابراهیم کلباسی، آقا شیخ محمدتقی، ملا علی مازندرانی نوری اصفهانی و ملا اسماعیل کوشکی، آموخت.

در ۱۲۴۲ق، هنگامی که حاج ملاهادی فقیهی کامل و حکیمی عارف شده بود، به مشهد بازگشت و پنج سال تدریس کرد. سپس عازم سفر مکه شد که سه سال طول کشید. وقتی از سفر حج بر می‌گشت، راه‌ها ناامن بودند و حکیم ناچار شد یک سال در کرمان بماند.

برای این که از وقتش استفاده کند، به صورت گمنام، به «مدرسه معصومیه» کرمان وارد شد و در آنجا ضمن نظافت مدرسه، از مجلس درس آیت‌الله آقا سید جواد، امام جمعه شیرازی، بهره برد، اما خیلی زود مراتب فضل و کمال او بر آقا سید جواد آشکار شد و فهمید که ملاهادی، عالمی بزرگ و حکیمی فرزانه است.

حاج ملاهادی در پایان اقامتش در کرمان، با دختر خادم مدرسه معصومیه ازدواج کرد و به همراه همسرش به سبزواری بازگشت و تا پایان عمر قریب چهل سال بدون آنکه حتی یک نوبت از آن شهر خارج شود در آن شهر توقف کرد و به کار مطالعه و تحقیق و تدریس و تألیف و عبادت و ریاضت نفس و تربیت شاگردان پرداخت تا عمرش به پایان رسید.

حکیم سبزواری علاوه بر این که در تمام علوم زمان خود استاد بود، شاعری بزرگ و توانا نیز بود.

مهم‌ترین مباحث فلسفه اسلامی و منطق را در قالب ۱۳۰۰ بیت شعر به زبان عربی سرود و بعد خودش در کتابی آن‌ها را شرح داد و تبیین کرد. این کتاب که ۲۰ سال از عمر حاج ملاهادی را به خود اختصاص داد، امروزه با عنوان «شرح منظومه سبزواری» در مدرسه‌های علوم اسلامی و محافل علمی تدریس می‌شود. همچنین یک دوره فقه اسلامی را به زبان عربی به نظم درآورد و شرح آن را نیز خود برعهده گرفت. دیوان اشعاری هم به زبان فارسی دارد که در آن نکات عالی عرفانی را به نظم درآورده است. تخلص او در شعر فارسی «اسرار» است. حاج ملاهادی سبزواری عصر روز بیست و پنجم ذی الحجه سال ۱۲۸۹ قمری درگذشت. آرامگاه او در دروازه نیشابور سبزوار (اکنون معروف به فلکه زند) قرار دارد.

مجلس درس حکیم بسیار گسترده بود و شاگردان بسیاری از سراسر ایران و سایر کشورها از جمله هند، افغانستان، ترکیه و عربستان در آن حضور داشتند. یکی از شاگردان حاج ملاهادی، فقیه بزرگ، مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی بود که خود از فقیهان بزرگ شیعه و صاحب کتاب کفایة الاصول است. این کتاب تاکنون در حوزه‌های علوم اسلامی تدریس می‌شود. او یک سال از درس حکمت حاج ملاهادی استفاده کرد و بسیار تأثیر گرفت.

حاج ملاهادی با اینکه ثروت زیادی از پدرش به ارث برده بود، بعد از ظهرها به کشاورزی می‌پرداخت و بیشتر درآمدش را بین فقرا تقسیم می‌کرد.

خودش نیز زندگی زاهدانه‌ای داشت. دانشمند بزرگ ژاپنی و استاد فلسفه «دانشگاه مک گیل کانادا»، پرفسور ایزوتسو، در مورد او می‌گوید:

او بزرگ‌ترین فیلسوف ایرانی قرن نوزدهم میلادی بود و در میان استادان هم‌عصر، مقام اول را داشت.

۱/۲. نمایه آثار

آثار حکیم ملاهادی بن مهدی سبزواری در موضوعات مختلف است ولی بخش مهم و زیادی از آثار وی در مباحث فلسفی به سبک حکمت متعالیه تالیف شده است. آنچه از آثار این حکیم محقق به طبع رسیده به قرار زیر است:

۱. اسرار الحکم فی المفتوح و المختتم؛
۲. دیوان اسرار؛
۳. الراح و القراح؛
۴. هادی المضلین فی اصول الدین؛
۵. شرح مثنوی مولانا جلال الدین محمد بن بلخی؛
۶. معاد در فلسفه و کلام اسلامی؛
۷. شرح دعاء الصباح؛
۸. شرح الاسماء (شرح دعای جوشن کبیر)؛
۹. شرح منظومه (منطق و حکمت)؛
۱۰. نبراس الهدی فی احکام الفقه و اسرارها و شرح آن؛
۱۱. حواشی اسفار اربعه ملاصدرا؛
۱۲. حواشی شواهد الربوبیه ملاصدرا؛
۱۳. حواشی مبدأ و معاد ملاصدرا (که بعد از این درباره آن سخن خواهیم گفت)؛
۱۴. حواشی مفاتیح الغیب ملاصدرا؛
۱۵. المقیاس فی الفقه؛
۱۶. شرح الابحاث المفیده علامه حلی؛
۱۷. حواشی شوارق الالهام عبد الرزاق لاهیجی؛
۱۸. حواشی بهجة المرضیة جلال الدین سیوطی: که در جوانی نوشته است.
۱۹. رحیق در علم بدیع؛
۲۰. مفتاح الفلاح و مصباح النجاح؛
۲۱. هدایة الطالبین.

۲۲. رسائل حکیم سبزواری، مجموعه‌ای که با عنوان مجموعه رسائل فیلسوف کبیر حاج ملا هادی سبزواری با تعلیق و تصحیح و مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی، در مشهد، سال ۱۳۸۹ق، در ۱۰۵۴ ص، به چاپ رسیده و شامل این رساله‌ها از سبزواری است:

- (ا) هدایة الطالبین، فارسی؛
 - (ب) جواب مسائل آقا میرزا ابوالحسن رضوی؛
 - (ج) جواب سوالات شیخ محمد ابراهیم واعظ تهرانی، (شرح حدیث طینت)؛
 - (د) جواب سوالات سید صادق سمنانی، فارسی (۱۳ سوال)؛
 - (ه) جواب یکی از فضلائی قم، فارسی (شش سوال)؛
 - (و) جواب سوالات میرزا بابای گرکانی، فارسی (منظوم)؛
 - (ز) جواب سوالات ملا اسماعیل عارف بجنوردی، عربی (۱) (ده سوال)؛
 - (ح) جواب مسائل ملا احمد یزدی، عربی؛
 - (ط) جواب مسائل علی فاضلی تبتی، عربی؛
 - (ی) جواب سوالات ملا اسماعیل عارف بجنوردی، عربی (۲)؛
 - (یا) حاشیه بر شرح رساله علم شیخ احساسی، عربی؛
 - (یب) رساله در اشتراک معنوی صفات کمالیه وجود بین حق و خلق، عربی؛
 - (یج) رساله مشارکة الحد و البرهان، عربی؛
 - (ید) جواب مسائل سید سمیع خلخالی، عربی؛
 - (یه) جواب مسائل ملا اسماعیل میان آبادی، عربی؛
 - (یو) شرح حدیث علوی معرفتی بالنورانیة معرفة الله، عربی.
- مشخصات نسخه‌های خطی آثار حکیم سبزواری در کتاب فهرست دستنوشته‌های ایران معروف به *دنا* (به کوشش مصطفی درایتی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش، ۱۲ج)، ج ۱۱ ص ۵۶۰، و نمایه کارهای علمی انجام شده درباره اندیشه و افکار و آثار اسرار سبزواری تا سال ۱۳۷۷ش، در کتاب *ماخذ شناسی علوم عقلی*، محسن کدیور و محمد نوری (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸ش، ۳ج)، ج ۱ ص ۱۱۴۲-۱۱۵۰، قابل دسترسی است.

۱/۳. اسامی شاگردان

حکیم سبزواری علاوه بر حوزه علمیه کرمان، نزدیک چهل سال در حوزه علمیه مشهد و سبزواری به تدریس پرداخته و حاصل این تلاش پرورش شاگردان بسیاری بوده، در اینجا لیست کاملی از شاگردان سبزواری بر اساس فهرستی که استاد سید جلال‌الدین آشتیانی در مقدمه رسائل حکیم سبزواری ارائه نموده و فهرست دوست دانشمند صدوقی سها در تاریخ حکما و عرفای متاخر و مآخذ دیگر، تقدیم می‌گردد. پس از آن چند اطلاع جدید که درباره چند شاگرد حکیم سبزواری، به دست آمده درج می‌شود. این است آخرین لیست اسامی شاگردان حکیم سبزواری:

۱. میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری (متوفای حدود ۱۳۱۶ق).
۲. شیخ ابراهیم طهرانی معروف به شیخ معلم.
۳. سید ابوالحسن رضوی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۷۹).
۴. آیه‌الله حاج میرزا سید ابوطالب زنجانی (مقدمه رسائل ص ۷۵).
۵. سید ابو عبدالله موسوی زنجانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۷۹).
۶. ابوالقاسم بن محمد علی کاشانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۷۹).
۷. آقا سید احمد رضوی ادیب پیشاوری هندی (مقدمه رسائل ص ۸۱).
۸. شیخ احمد میامینی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۷۹).
۹. میرزا اسماعیل ملقب به افتخار الحکماء طالقانی (م ۱۲۸۶ق).
۱۰. میرزا اسماعیل سبزواری (م ۱۲۹۵ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۰).
۱۱. حاج شیخ ملا اسماعیل عارف بجنوردی (م ۱۲۸۸ق).
۱۲. آخوند ملا اسماعیل ابن حاج علی اصغر سبزواری (م ۱۳۱۲ق).
۱۳. میرزا اسدالله سبزواری.
۱۴. آخوند ملا تقی اصفهانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).
۱۵. میرزا جعفر حکیم‌الهی لواسانی تهرانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).
۱۶. آقا سید جواد طباطبایی حائری (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).
۱۷. حاج میرزا حسن حکیم داماد حاج ملاهادی.
۱۸. شیخ حسن بن حسین زینی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).

۱۹. حاجی میرزا حسن سبزواری صاحب ارجوزه حکمیة که به کاشف الاسماء موسوم است.
۲۰. آیه الله حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری.
۲۱. آقا حسین ابن ملا زین العابدین.
۲۲. میرزا حسین طبیب قزوینی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).
۲۳. میرزا حسین امام جمعه کرمانی فرزند آقا سید عبدالجواد شیرازی.
۲۴. شیخ محمد حسین معروف به جرجیس یا برجیس.
۲۵. عارف کامل آخوند ملا حسینقلی همدانی.
۲۶. میرزا آقای حکیم دارابی جهرمی (مقدمه رسائل ص ۷۴).
۲۷. ملا محمدرضا سبزواری متخلص به روغنی.
۲۸. سلطان محمد گنابادی (م ۱۳۲۷ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۲).
۲۹. شاهزاده جناب جد محمد هاشم میرزای افسر.
۳۰. شمس الدین حکیم الهی لواسانی تهرانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۲).
۳۱. ملا محمد صادق حکیم.
۳۲. ملا محمد صادق صبّاغ کاشانی.
۳۳. ملا صالح فریدنی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۲).
۳۴. سید عبدالغفور جهرمی دارابی شیرازی (مقدمه رسائل ص ۷۴).
۳۵. قاضی شیخ عبدالاعلی سبزواری شارح دعای کمیل (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۷).
۳۶. آقا میرزا عباس حکیم دارابی شیرازی (مقدمه رسائل ص ۷۱).
۳۷. سید عبدالرحیم بن علی اصغر سبزواری.
۳۸. ملا عبدالکریم قوچانی خوششانی (مقدمه رسائل ص ۶۸).
۳۹. عبدالعظیم اسکویی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۷).
۴۰. شیخ عبدالنبی نوری تهرانی (مرآت الشرق، ج ۲، ص ۹۴۸).
۴۱. مولی عبدالوهاب اصفهانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۷).
۴۲. ملا عبدالوهاب منجم قوچانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).

۴۳. آقا شیخ علی فاضل تبتی (مقدمه رسائل ص ۶۸).
۴۴. ملا علی سمنانی (م ۱۳۳۳ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۴۵. آقا شیخ علی قلعه‌ای بروجردی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۴۶. شیخ علی اصغر سبزواری (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۴۷. مولی علی اصغر گاچی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۴۸. علی اکبر خراسانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۴۹. میرزا علینقی ملقب به صدرالعلماء سبزواری.
۵۰. آخوند ملا غلامحسین شیخ الاسلام (مقدمه رسائل ص ۷۸).
۵۱. حاجی فاضل صدخرومی سبزواری خراسانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۵۲. ملا محمدکاظم بن محمدرضا سبزواری متخلص به سرّ.
۵۳. آخوند ملا محمدکاظم خراسانی مؤلف کفایة الاصول.
۵۴. فاضل مغیثه‌ای سبزواری.
۵۵. حاج میرزا محسن‌آقای قاضی طباطبایی تبریزی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۵۶. میرزا محسن قزوینی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۸).
۵۷. آخوند ملا محمد بن هادی سبزواری فرزند ارشد حکیم.
۵۸. مولی محمد سیاهدشتی خوشانی (م ۱۲۵۰ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۹).
۵۹. آقا میرزا محمد سروقدی خادم‌باشی کشیک سوم آستان قدس رضوی (مقدمه رسائل ص ۷۹).
۶۰. سید محمد عراقی (م ۱۳۲۴ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۰).
۶۱. شیخ محمد ابن ملا اسماعیل کاشانی
۶۲. شیخ شهاب‌الدین محمد بن موسی بزچلویی عراقی (م ۱۳۱۳ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۹).

۶۳. موسی بن فضل الله حسینی کلاتنتری همدانی (مرعشی ۵۱۹/۴۰ و ۵۳۰) که فرزندش حاج آقا محمد کمالی شرح منظومه سبزواری دارد. حاشیه مبدأ و معاد وی را نوشته در فیضیه نسخه دارد.
۶۴. محمدباقر داماد سید عبدالجواد شیرازی کرمانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۰).
۶۵. آقا میرزا محمد یزدی معروف به فاضل یزدی (مقدمه رسائل ص ۷۴).
۶۶. آقا میرزا محمد حکیم الهی (مقدمه رسائل ص ۸۲).
۶۷. ملا محمدحسن بن محمدابراهیم دهکردی ملقب به سکوت‌علی شاه (م ۱۳۳۲ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۸۱).
۶۸. آخوند ملا محمدحسین استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۲).
۶۹. شیخ محمدحسین طریحی نجفی (۱۳۲۱ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۲).
۷۰. آقا میرزا محمدحسین کرمانی، که علی‌الظاهر غیر از امام جمعه کرمان بوده باشد (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۱. آخوند ملا محمدرضا اردکانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۲. مولی محمدرضا سبزواری متخلص به روغنی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۳. حاج شینخ هادی بیرجندی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۴. مولی محمدصادق حکیم (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۵. مولی محمدصادق شریف... لعله کان من تلامذة المولی هادی السبزواری (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۶. حاج ملا محمدصادق صباغ کاشانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۷. میرزا محمدعلی بن میرزا عبدالغنی تفرشی (م ۱۳۰۷ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۸. مولی محمد مهدی قمشه‌ای (۱۳۳۰ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۷۹. میرزا نصرالله حکیم قمشه‌ای (۱۳۲۴ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۴).
۸۰. میرزا نصرالله فانی تربتی (۱۲۸۹ق) (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).

۸۱. میرزا نصرت‌خان طبیب حافظ‌الصحه قوچانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۸۲. شیخ نظام‌الدین بیلندی گنابادی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۴).
۸۳. وثوق الحکماء سبزواری شارح گلشن راز.
۸۴. حاج میرزا محمود قدسی تونی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۸۵. شیخ محمود بن اسماعیل کاشانی (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۸۶. میرزا هدایت‌الله معروف به خدا (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۵).
۸۷. همای شاعر (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).
۸۸. آقا میرزا یوسف عربشاهی سبزواری (تاریخ حکماء و عرفای متاخر ص ۱۹۳).

(۲)

تازه‌یافته‌ها درباره چند شاگرد حکیم سبزواری

۲-۱. نصرت قوچانی

میرزا نصرت‌خان طبیب حافظ‌الصحه قوچانی به تصریح خودش در سبزواری نزد حاجی سبزواری اسفار اربعه خوانده است. نام وی علی‌نقی ملقب به حافظ‌الصحه تهرانی و متخلص به نصرت طبیب قوچانی است او در سال ۱۲۵۱ق در قوچان متولد و در ۱۴ رمضان ۱۳۲۵ از دنیا رفته است.

آثار وی عبارتند از: ۱. دیوان شعر ۲. ترجمه کتاب قانونچه ۳. دواسازی ۴. پاتولوژی ۵. تشریح ۶. جلاء‌العیون در علم کحالی ۷. رساله در علم شیمی ۸. حفظ صحت ناصری ۹. خمسه ناصری ۱۰. راحت بعد از رنج ۱۱. شاهنامه ناصری ۱۲. ستاره‌شناسی.

کتاب ستاره‌شناسی نصرت ترجمه‌ای از کتاب بريك آمريکايی که نصرت ترجمه آن را در تبریز شروع و در ارومیه به پایان رسانده است. نسخه اصل این ترجمه در کتابخانه آستان حضرت معصومه علیها السلام در قم به شماره ۶۴۲ نگهداری می‌شود (فهرست نسخه‌های خطی آستان حضرت معصومه ج ۲، ص ۲۷۸). این نسخه را نصرت در شب شنبه ۲۷ ربیع الثاني ۱۲۸۱ق در میان حجره مدرسه نواب علیا، به پایان

رسانده و خود را نصرت قوچانی حافظ‌الصحة تهران معرفی نموده است. نصرت بعد از سی سال، در سال ۱۳۱۲ق، در انتهای نسخه یاد شده، گزارشی از احوال خود تحریر نموده، که در مقایسه با گزارش منقول آقای مرتضی مدرس گیلانی (منتخب معجم الحکماء، ص ۱۷۸)، اضافاتی دارد. نصرت می‌نویسد:

پس از آنکه مدتی در ارض اقدس عمر خود را صرف حساب و هندسه در خدمت شیخ عبدالرحمن و هیئت را در خدمت منجم‌باشی و نجوم را در خدمت اخوی ایشان کردم و مدتی هم در سبزوار خدمت مرحوم حاجی ملاهادی گوش به درس اسفار اربعه دادم از آنجا روزگار مرا به طهران کشانید، نواقص خوانده شده را مجددا در خدمت استادان کامل مثل میرزا عبدالوهاب منجم باشی و پدر مرحومش میرزا محمدعلی اصفهانی که نیز پدر میرزا عبدالغفار منجم‌باشی شاه است تکمیل نمودم، شروع کردم به علوم ریاضی فرنگی‌ها، این کتاب را در خدمت استادی از اهل ینگگی دنیا (آمریکا) خواندم بعد شروع کردم به علوم طبیعی، در آنجا معلوم شد آنچه در خلاصه الحساب و هیئت فارسی و سی فصل و بیست باب ملا مظفر خوانده بودم خیلی لازم بود و اگر آن‌ها را نخوانده بودم قدر ریاضی و طبیعی فرنگی‌ها را نمی‌دانستم همان طور که طب قدیم را اگر نخوانده بودم قدر طب جدید را اصلاً نمی‌دانستم... به تاریخ یک‌هزار و سیصد و دوازده، یادگار نصرت حافظ‌الصحة طهران.

این نسخه دارای ۲۵۸ صفحه دوازده سطری به اندازه ۱۳×۸ سانتی متر است. آقای محمد رضا قصابیان، مقاله‌ای با عنوان «میرزا نصرت قوچانی» در کتاب یادمان آقا نجفی قوچانی (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش)، صص ۱۸۷-۲۰۸، منتشر نموده و خبر داده‌اند که کتاب *راحت بعد از رنج* نصرت قوچانی را در دست تصحیح قرار دارد.

همچنین نسخه‌ای از کتاب *حفظ الصحة* نصرت قوچانی در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. (فهرست مجلس ج ۶، ص ۱۳۵).

آقای احمد منزوی هم نسخه‌ای از رساله در علم شیمی نصرت قوچانی را، در مشهد نزد عبدالحمید موسوی گزارش نموده است. (فهرست نسخه‌های خطی فارسی ج ۱، ص ۴۲۹).

آقای علی حیدری گزارش نموده که مقبره نصرت قوچانی در حسینیه پزشکی قوچان قرار دارد و اطلاع داده‌اند که مجموعه‌ای به خط نصرت شامل کلیات موجز القانون و رسائل در طب و کتب مختلفه به ش ۹۶۵۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که آن‌ها را در سالهای ۱۲۸۲ و ۱۲۸۳ ق تحریر نموده است. (رجال و مشاهیر قوچان، علی حیدری، ص ۲۱۳).

۲-۲. ابراهیم تهرانی شاگرد دل‌باخته اسرار

شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم از شاگردان مبرز حکیم سبزواری است. او با علاقه‌ای که به استادش داشته، چند سال مقیم سبزواری و ملازم درس حکیم سبزواری بوده و در این مدت بیش از بیست رساله از آثار استادش را به خط خود تحریر نموده است.

گویا وی همان است که دوست دانشمند آقای صدوقی سها، در ذکر شاگردان حکیم سبزواری درباره وی چنین نگاشته‌اند:

آقا شیخ ابراهیم تهرانی که از پی ارتحال سرکار حاجی نیز ترك سبزواری نگفت و به دکان عطاری نشست و به همان دکان درس می‌گفت. (تاریخ حکماء و عرفای متاخر، ص ۱۷۹).

اولین رساله نگاشته شده به خط ابراهیم تهرانی مربوط به سال ۱۲۷۰ ق و آخرین رساله مربوط به سال ۱۲۷۷ ق می‌باشد. مشخصات این آثار که به خط تهرانی امروزه موجودند - و برخی از آن‌ها مکرر هستند یعنی از يك اثر دو یا چند بار استنساخ نموده - عبارتند از:

۱. حاشیه شواهد الربوبیه، تهرانی این اثر را دوبار استنساخ نموده بار اول سال ۱۲۷۰ ق، (کتابخانه مجلس، ش ۳۰۷۷، فهرست مجلس ۶۳۲/۱۰). و بار دوم در سال ۱۲۷۲ ق، (کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۸۹، فهرست آستان قدس ۸۹/۴).

۲. حاشیه مبدأ و معاد، تحریر در سال ۱۲۷۳ق، (مرعشی ش ۴۶۳۱، فهرست ۱۹۲/۱۲). که نسخه دیگری از آن به خط تهرانی، تحریر ۳ صفر ۱۲۷۶ (تهران دانشکده ادبیات ش ۶۵/۱، فهرست، ج ۳، ص ۲۵) در دست است.
۳. حدوث العالم ملاصدرا، تحریر در سال ۱۲۷۴ق (تهران سپهسالار ش ۱۳۰۱، فهرست ۴/۲۹۸)، همچنین نسخه دیگری از آن به خط تهرانی، بدون تاریخ، در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ش ۱۳۵۱۶/۲ (فهرست مرعشی، ف ۳۴/۲۹۲).
۴. حاشیه مفاتیح الغیب، تحریر در سال ۱۲۷۶ق، (تهران دانشکده ادبیات ش ۶۵/۲، فهرست ۲۶/۳).
۵. شرح حدیث طینت، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۶، فهرست ۳۴۸/۱۱)، نسخه دیگر تحریر سال ۱۲۷۴ق، (مرعشی، ۱/۱۳۵۱۶، فهرست ۲۹۰/۳۴).
۶. شرح دعای جوشن کبیر، تحریر ذیحجه ۱۲۷۵ (مشهد، رضوی، ش ۱۳۹۸۰، فهرست ۳۰۲/۱۵).
۷. المحاکمات و المقاوّمات، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۴، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۸. مبدأ و معاد ملاصدرا، تحریر ربیع الاول ۱۲۷۷ در سبزوار (تهران، ادبیات، ش ۵۷، فهرست ۳/۱۰۴).
۹. سفار ملاصدرا، که دو نسخه از آن را تحریر نموده: یکی در شوال ۱۲۷۴ق (دانشگاه تهران، ش ۱۰۰۰۱، فهرست ۵۲۳/۱۷). و دیگری بدون تاریخ (قم، آستان حضرت معصومه علیها السلام، ش ۶۳۵۹-۴۲/۳، فهرست ۱۱۲).
۱۰. اثبات وحدت فعل واجب تعالی، تحریر در ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۱۱، فهرست ۳۴۹/۱۱).
۱۱. اجوبه المسائل، تحریر در ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۱۲. اجوبه المسائل البجنوردیه، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۱، فهرست ۳۴۸/۱۱).

۱۳. اجوبه المسائل المخلخالیه، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۱۳. اجوبه المسائل الیزدی، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۲، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۱۴. جواب مسائل سید صادق سمنانی، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۹، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۱۵. جواب مسائل یکی از فضلاء قم، تحریر ذیحجه ۱۲۷۳ق (مشهد، رضوی، ش ۹۳۶۳/۷، فهرست ۳۴۸/۱۱).
۱۶. حاشیه اسفار، که پنج نسخه از آن را تحریر نموده، با این مشخصات:
- تحریر در سال ۱۲۷۳ق (آستاد قدس رضوی مشهد، ش ۲۷، فهرست ۱/۷۶).
 - تحریر در ربیع الاول سال ۱۲۷۳ (دانشکده الهیات تهران، ش ۶۰۸، فهرست ۵۱۸).
- همچنین سه نسخه از حاشیه اسفار حکیم سبزواری در دست است که در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) به شماره‌های ۱۴۳۱ و ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳ (فهرست مدرسه سپهسالار ۱۹۷/۴-۱۹۸) نگهداری می‌شود و ابراهیم بن آقا کوچک قناد تهرانی آن‌ها در سال ۱۲۷۲ و ۱۲۷۴ق تحریر نموده و نسخه‌ای از شرح منظومه در دست هست که ابراهیم بن حاجی مصطفی شهیر به حاجی آقا کوچک در سبزواری در مدرسه جدید در شب دوشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۷۲ق (دانشکده ادبیات تهران، ش ۱۱۶، فهرست ج ۳، ص ۹۳) و ما نمی‌دانیم که این دو شخص همان آقا ابراهیم تهرانی مورد بحث ما هستند یا شخصیت دیگری می‌باشند.

۲-۳. کمالی همدانی

دانشمند فاضل سید موسی بن فضل الله حسینی همدانی از شاگردان مبرز حکیم سبزواری است او در سال ۱۲۶۸ق شرح منظومه حکیم سبزواری را استنساخ نموده و در ترقیمه نسخه از حکیم چنین یاد کرده است:

... و قد کتبت هذه النسخة التي ألفها افضل المحققين من الحكماء الالهيين و ابسطهم يدا في التحقيق و التدقيق مولانا خير الحاج و المعتمرين الحاج ملا هادی السبزواری. (نسخه ش ۱۶۰۰۴ مرعشی).

شایان ذکر است که تالیف شرح منظومه در روز جمعه ۲۳ رمضان ۱۲۶۲ق به پایان رسیده و کمالی تحریر آن را در روز یکشنبه ۱۵ رمضان ۱۲۶۸ق در مشهد به پایان رسانده و در غره محرم ۱۲۶۹ق در هرات بوده و در ۱۲ محرم ۱۲۷۳ق در مدرسه صدر اصفهان اقامت داشته و بعد از آن به شهر خود همدان برگشته و در این شهر در سال ۱۳۰۴ق دار فانی را وداع کرده است.

دانشمند گرانمایه آقای صدوقی سها، نام وی را به نقل از معارف الرجال (ج ۳، ص ۵۰) در جرگه شاگردان حکیم سبزواری، یاد نموده و چنین نوشته‌اند:
السید موسی الهمدانی الشهیر بکلانتری (۱۲۳۷-۱۳۰۴ق) له رساله فی الحکمة الاشرافیه و تعلیقہ علی الاسفار علقها فی سبزواری. (تاریخ حکماء و عرفای متاخر، ص ۱۹۴).

صدرالاسلام خویی نیز در *مرآت الشرق* وی را «الادیب الفاضل السید موسی بن فضل الله بن هادی کلانتر الهمدانی» معرفی نموده و مختصری از احوال او را ذکر کرده است. (*مرآت الشرق*، ج ۲، ص ۱۳۳۷).

کمالی فرزندی دانشمند داشته به نام سید محمد، و پدر و پسر دارای بیش از بیست اثر علمی، و دارای کتابخانه‌ای معتبر، بودند که کتابخانه آن‌ها (با بیش از هشتاد جلد نسخه خطی و چند صد کتاب چاپی) توسط آقای حاج سید کاظم کمالی (نوه آقا سید موسی کمالی) در سال ۱۳۷۹ش، به کتابخانه آیت‌الله مرعشی اهدا گردیده است. (مجله میراث شهاب، ش ۶، ص ۳، ص ۱۳ مقاله دو کتابخانه نفیس شخصی از آقا سید محمود مرعشی و همان مقاله در کتاب *نسخه‌شناسی* ج ۲، ص ۴۱۳-۴۴۶).

فهرست تفصیلی نسخه‌های این کتابخانه - که اغلب آن‌ها آثار سید موسی کمالی و فرزندش سید محمد می‌باشد - در جلد چهارم *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی*، به تازگی منتشر شده است. بر اساس آن آثار آقا سید موسی کمالی عبارت است از:

۱. شرح *شرایع الاسلام*، ۱۴ جلد؛

۲. *المسائل المستقصی فیہ بالحجج والدلائل*، در اصول فقه، ۱۴ جلد؛

۳. تعلیقه بر اسفار که در سبزواری نوشته است همراه با حاشیه اسفار حکیم سبزواری؛ نسخه ش ۱۶۰۱۰ کتابخانه مرعشی؛

۴. رساله عملیه در طهارت و صلاة، فارسی؛ نسخه ۱۶۰۳۳ کتابخانه مرعشی؛

۵. مناسک حج و در آخر آن به صورت کوتاه اسرار حج را، در پنج صفحه، بیان نموده، و می‌نویسد:

بسمله الحمد لله رب العالمین. رساله ایست از موسی بن فضل الله حسینی همدانی در اسرار حج. حج در تحقیق قصد حرم جلال است به واسطه سیر از اطوار نفس سوی عقل، تا آنکه مشاهده نماید عقل را و ملحق شود به او. پس قاعدی لازم است که عالم به طریق باشد و عارف به علم طریقت باشد و قافله‌ای هم که اخوان تجرید باشد و زادی که علم و تقوی باشد و راحله‌ای که صبر باشد و حال سالک لابد که می‌بایست مثل حال حمل باشد که متحمل شود ثقیل را و اکل کند قلیل را و صبر نماید بر جوع و قلت هجوع (نوم و سکون) و متحمل عطش و نصب شود...

نسخه ش ۱۶۰۳۲ کتابخانه مرعشی.

۶. مجموعه‌ای دارای چند اثر از وی: الف) شرح دعای جوشن کبیر، ب) الحركة الجوهرية و فناء العالم الجسمانی، ج) ترجمه شرح قصیده الیائیه میر فندرسکی، د) الکلمات الفلسفیه و العرفانیة یا الکلمات الربوبیة، و) لمعات، نسخه ش ۱۶۰۱۸ کتابخانه مرعشی؛

۷. مجموعه چند رساله در صلوة و معرفت نفس، فارسی.

۸. اجازه سید محمد جواد حسینی شیرازی کرمانی و ملا محمدجعفر آباده‌ای و چهار اجازه ملا احمد کرمانی به سید موسی کمالی، در ضمن نسخه ش ۱۶۰۳۹ کتابخانه مرعشی؛

۹. استنساخ شرح منظومه حکیم سبزواری و رساله بداء ملاصدرا، و ابطال الجبر و تفویض از محمد ابراهیم بن محمد علی و تحفه رضویه و ترجیع‌بند هاتف، در مشهد در رمضان سال ۱۲۶۸ ق (نسخه ش ۱۶۰۰۴ کتابخانه مرعشی؛ در ۲۰۰ ص).

۱۰. استنساخ حاشیه مبدأ و معاد حکیم سبزواری، که نسخه آن در مدرسه فیضیه ش ۱۲/۱۹۶۰ نگهداری می‌شود. (فهرست ج ۳، ص ۱۵۶).
سید محمد کمالی (م ۱۳۴۹ق) فرزند سید موسی کمالی نیز دارای آثاری است که از جمله آن‌ها حاشیه شرح منظومه سبزواری در چهار جلد (نسخه ش ۱۵۹۷۷ و ۱۵۹۸۶ و ۱۵۹۹۷ و ۱۶۰۱۷ کتابخانه مرعشی) و شرح کفایة الاصول آخوند خراسانی در هفت جلد، حاشیه شوارق الالهام (نسخه ش ۱۶۰۱۲/۲ کتابخانه مرعشی) و کلمات و اشعار و منشآت (نسخه ش ۱۶۰۲۴ کتابخانه مرعشی) می‌باشد.

(۳)

تازه‌یافته‌ها درباره آثار حکیم سبزواری

۳-۱. حاشیه مبدأ و معاد

حاشیه مبدأ و معاد ملاصدرا از آثار ملاهادی سبزواری تاکنون به چاپ نرسیده است. زنده‌یاد استاد سید جلال‌الدین آشتیانی درباره این اثر چنین اظهار نظر نموده‌اند:

حواشی سبزواری بر مبدأ و معاد ملاصدرا مختصر و موجز است. نگارنده حواشی مبسوطی از این حکیم بر مبدأ و معاد ملاصدرا ندیده‌ام اگر چه برخی نوشته‌اند که حکیم حواشی نسبتاً مفصل بر این کتاب دارد. شاید علت این امر آن است که مطالب مبدأ و معاد همان تکرار مباحث/سفار بلکه در مواردی تلخیص/سفار است و حکیم می‌بایست همان حواشی/سفار و شواهد را به این کتاب بنویسد لذا از نوشتن تعلیقه بر این کتاب خودداری نموده است. (رسایل حکیم سبزواری، ص ۵۳ مقدمه).

تاکنون چند نسخه از این حاشیه شناسایی شده با این مشخصات:

۱. مرعشی ش ۴۶۳۱، تحریر ۱۲۷۳ق، به خط ابراهیم تهرانی (فهرست ج ۱۲، ص ۱۹۲).

۲. مدرسه سپسالار تهران ش ۱۳۰۳ (فهرست ج ۴، ۲۶۳):

۳. دانشکده ادبیات تهران ش ۶۵/۱ ابراهیم تهرانی ۳ صفر ۱۲۷۶ در سبزواری (فهرست ج ۳، ۲۶)؛

۴. مشهد رضوی ۴۹۱، از اول و آخر افتادگی دارد. (فهرست ج ۴، ۸۹)؛

۵. فیضیه ش ۱۲/۱۹۶۰ به خط موسی بن فضل‌الله حسینی همدانی بی تا (فهرست ج ۳، ص ۱۵۶).

همان طور که ملاحظه می‌شود کهن‌ترین نسخه این حاشیه متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی است که شاگرد سبزواری تحریر نموده است. این نسخه چنین آغاز می‌شود:

بسمله. هذه حواشی من الحقیقیر هادی السبزواری علی کتاب المبدأ و المعاد
لصدرالدين الشیرازی قَدِّسَ سِرُّهُ.

قوله: فی السلسله النزولیه، اولها: عقل الكل و هو القضاء الاجمالی و القلم
الاعلی و آدم الاول و الدهر الایمن الاعلی و المحمدیه البیضاء و الدرۃ البیضاء
و الرکن الایض من العرش و ثانیها نفس الكل و هو القضاء التفصیلی و
اللوح المحفوظ و الدهر الایمن الاسفل و العلویۃ العلیاء و الدرۃ الصفراء و الرکن
الاصفر من العرش و منه العقول المدبرۃ و المثل الالهیه فی الطبقة العرضیه التي
یسمیهما الاشرافیون ارباب الاصنام و اصحاب الطلسمات، لانه كما ان النفس
الجزئیة مدبرۃ لبدن جزئی كذلك كل من اصحاب الانواع مدبر لجميع مادونه
من الاجسام ذو عنایة بها و ان ناسب بوجه ادراجها فی الاول لان تدبیر
النفس استکمالی بخلاف العقل لان تحریکه لما دونه من قبیل تحریک المعشوق
للعاشق.

و ثالثها: خیال الكل و هو عالم المثال و یقال له المثل العقلیه كما لسابقه المثل
الالهیه و هو القدر العملی و الدهر الایسر الاعلی و الدرۃ الخضراء و الرکن
الاخضر من العرش.

و رابعها: طبع الكل اعنی الطبیعة الغیر الخالطة للمادة و هو القدر العینی و
الدهر الایسر الاسفل و الدرۃ الحمراء و الرکن الاحمر من العرش.
هذا علی تربیع القسمة حیث ورد ان حاملی عرش الله تعالی اربعة.

و اما تسديس القسمة موافقا للستة الايام الواردة في الكتاب الالهى،
فبيانها: ان اول السلسلة الانوار القاهرة الاعلون و هو الطبقة الطولية من
العقول،

و ثانيها الانوار القاهرة ارباب الطلسمات،
و ثالثها الانوار الاسفهدية و النفوس الكلية الفلكية،
و رابعها المثل المعلقة و هو العالم بين العالمين،
و خامسها الطباع الكلية الفلكية،
و سادسها الجسمية الكلية و الصورة الدهرية.
و الايام الستة عند العرفاء: المرتبة الاحدية و المرتبة الواحدية و الجبروت و
الملكوت و الملك و الكون الجامع.

و بدين گونه به انجام مى رسد:

قوله المحجب النورية: اشارة الى قوله تعالى ان الله سبعين الف حجاب من نور
و ظلمة، فالمحجب النورية هي العقول و النفوس و الظلمانية هي الاجسام و
السّرّ في تعيين هذا العدد، ان مراتب الانسان سبع: الطبع و النفس و القلب و
العقل و الروح و السّرّ و الخفى، كما هو مشروح في كتب اهل المعرفة.
و عند الحكماء ايضا سبع و عبروا عنها بالعقل الهيلواني و بالملكة و بالعقل و
المستفاد و عين اليقين و حق اليقين و الفناء تام و الكرات عشرة: الافلاك
التسعة و عالم العناصر.

و لما كانت الوجودات من سنخ واحد و التفاوت في ظهور كثرة الآثار و قلتها
فلكل آية سبعة ابطن فيحصل من ضرب السبعة في العشرة سبعون و في كل
منها ظهر الف اسم من اسمائه الحسنى، فيصير سبعين ألفا.
قوله: جزئيا: اى داثرا. قوله: الجرمية: اى لا يطبع نفسها بيان لعدم كون المشبه
به جرما فلكيا و ايضا على هذا يلزم الحركة المستقيمة على الفلك و ايضا لا
يتم في الاطلس.

و المحشى قد كتب الى هنا و بعد لم يكتب.

فی ید اقل تلامذة مصنفه ابراهیم الطهرانی فی السبزواری ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۷۳ق.

این نسخه به قطع ۱۴. ۹×۵ سانتی متر و با اندازه متن ۴. ۱۱×۷ سانتی متر، در ۲۰۲ صفحه و هر صفحه در ۱۴ سطر، با خط نستعلیق، تحریر شده و جای عنوان‌های «قوله» نانوشته مانده و تمامی صفحات رکابه دارد و مقابله نشده است. کاتب در آخر متذکر شده که «و المحشی قد کتب الی هنا و بعد لم یکتب» تا زمان کتابت مؤلف تا همین جا حاشیه نوشته بوده است. از اینجا دو نکته به خوبی روشن است، اول اینکه: همین اندازه که نوشته شده، حواشی مفصلی است که نظر استاد آشتیانی را - در اینکه حواشی سبزواری بر مبدأ و معاد کوتاه بوده - تایید نمی‌کند. دوم اینکه همین کاتب، نسخه دیگری از همین حاشیه را در ۳ صفر ۱۲۷۶ در سبزواری تحریر نموده (نسخه دانشکده ادبیات تهران ش ۶۵/۱)، ولی در فهرست آغاز و انجام نسخه نوشته نشده تا روشن شود آن نسخه هم همین اندازه می‌باشد یا بیشتر از آن است.

۲-۳. مجموعه ش ۱۰۳۳۹ مرعشی

این نسخه در فهرست آن کتابخانه چنین معرفی شده:

۱. شرح الفاظ فی نهج البلاغه، از: ؟ (برگ ۲ - ۲۱ ر)؛ ۲. اجوبة مسائل الیزدی، از: ملاهادی سبزواری (۳۴ پ - ۵۵ ر)؛ ۳. الاجوبة الاسراریه علی الاسئلة العرفانیة، از: ملاهادی سبزواری (۵۸ پ - ۶۹ پ).

با مراجعه به نسخه و بررسی آن معلوم گردید که رساله اول این مجموعه همان جواب مسائل سید سمیع خلخالی است و در این نسخه مقدمه آن - در حدود یک صفحه - تحریر نشده است. این سوال و جواب در مجموعه رسائل حکیم سبزواری (ص ۷۴۵-۷۸۳) به چاپ رسیده است.

رساله دوم نیز همان جواب مسائل ملااحمد یزدی (مجموعه رسائل حکیم سبزواری ص ۵۸۳-۶۱۶) و رساله سوم هم سوال و جواب دوم ملا اسماعیل عارف بجنوردی (مجموعه رسائل حکیم سبزواری ص ۵۸۳-۶۱۶) و بعد از آن از صفحه

(۷۰پ) به بعد دیوان مجنون لیلی و بعد از آن قصیده میر فندرسکی و در آخر دو صفحه از شرح خطبه شمس، نسخه تحریر شده است.

۳-۳. کهن‌ترین نسخه دیوان اسرار با تصحیح خود وی

در فهرست دست‌نوشته‌های *ایران (دنا)* (ج ۵ ص ۳۵-۳۶) تعداد ۳۴ نسخه خطی از *دیوان اسرار* معرفی شده است. از این تعداد، چند نسخه در زمان مؤلف تحریر شده، که عبارتند از:

۱. قم، کتابخانه مرعشی، نسخه ش ۵۵۷۴، تحریر ۱۲۶۴ق؛
۲. تهران، کتابخانه مجلس، نسخه ش ۲۶۷۷، تحریر ۱۲۶۵ق؛
۳. یزد، کتابخانه کاظمینی، نسخه ش ۷۵، تحریر ۱۲۷۲ق؛
۴. تهران، کتابخانه مجلس، نسخه ش ۱۳۳۷۳، تحریر ۱۲۷۳ق؛
۵. مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه ش ۹۳۶۳، تحریر ۱۲۷۳ق؛
۶. تهران، کتابخانه ملک، نسخه ش ۴۹۳، تحریر ۱۲۷۸ق؛
۷. تهران، کتابخانه مفتاح، نسخه ش ۸۰۰، تحریر ۱۲۸۴ق؛
۸. تهران، دانشکده حقوق، نسخه ش ۲۵۹، تحریر ۱۲۸۸ق.

همان طوری که ملاحظه می‌گردد از این چند نسخه، کهن‌ترین نسخه متعلق به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی است. با بررسی این نسخه معلوم گردید که این نسخه را کاتب برای مؤلف نوشته و بعد از تحریر، مؤلف آن را ملاحظه و در لابلای سطور و حواشی، توضیحاتی و اشعاری به خط خود نوشته است. نگارنده تاکنون موفق به رویت خط *اسرار* نشده بودم و در این نسخه برای اولین بار خط این فیلسوف وارسته را زیارت کردم که بی‌نهایت زیبا و پخته بوده و نمونه‌ای از آن را در ضمن این مقاله تقدیم خوانندگان گرام خواهیم کرد.

برای درک منظور برخی اشعار غامض حکیم سبزواری، این حواشی اهمیت دارد. *دیوان اسرار* تاکنون دوبار به چاپ رسیده و در هیچ یک از این چاپ‌ها به این

حواشی اشاره‌ای نشده است. این حاشیه‌ها به قرار زیر هستند:

قوله: الا یا ایها الورقی تری تنوی اطلعن عنها

که اندر عالم قدسی ترا باشد نشیمن‌ها

الورقی: حمامة النفس الناطقة.

الثری: الارض تتوی ای تقیم.

الغواسق: الظلمات.

قوله: دل بسته نقش چهره دلدار خویش را دارد دیار صورت دیار خویش را
فی الحدیث: ان الله خلق آدم علی صورته، در خانه به کدخدای ماند همه چیز، فی
القدسی: خمرت طینته بیدی.

قوله: تجدید عهد بندگی خواجه خواجگی است

تا کی زیاد برده‌ای اقرار خویش را

قال الله تعالی: و اذ اخذ من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم.

قوله: چو یک معنی که پوشانی بگوناگون عباراتی

حجاب پرتو رخساره جانانه شد جان‌ها

نیکو فرموده است شیخ عطار این مضمون را:

جان نهان در جسم و تو در جان نهان ای نهان اندر نهان ای جان جان

قوله: مبین مرقع خالی چه در وی اخگرهاست نهفته‌اند به خاکستر آذر فقرا

مرقع اشاره به قول جناب امیر است علیه السلام که لقد رقت مدرعتی هذه حتی

استحیبت من راقعها. و معنی آنست که مرقع خاک آلود ظاهری مبین که در وی

آتش پاره است.

در حرف الف غزلی در حاشیه تحریر شده، که مطلعش چنین است:

ساقی بیا که گشت دل‌رام رام ما آخر بداد دلبر خوش کام کام ما

و مصرع «بر آستان پیر مغان رو نهاده‌ایم» در اصل «بر آستان پیر مغان سر

نهاده‌ایم» است.

قوله: عشق گو عشق دان و عشق بین عشق شو عشق رخ زغیر بتاب

اشاره الی علم الیقین و حق الیقین.

این‌ها نظیر قول جامی است که:

چیست می‌دانی صدای چنگ و عود انت حسبی انت کافی یا ودود

قوله: چنگ گوید بعشق دستان ان للعاشقین حسن مآب

فیه ابهام یعنی چنگ نغمه زن گوید ان للعاشقین یا گوید به عشق دست بزن.
 قوله: می ده که حیات این جهان هست مانند حباب بر سر آب
 در این ابهام است یعنی مانند حباب بی بقاست پس غنیمت باید شمرد. یا چنانکه
 حباب بر سر آب می گردد حیات جهان هم بر آب حیات باده تجلیات می گردد پس
 می ده که قوام جهان باوست و مراد غلبات عشق است.

قوله: هر که را کشت خود بهایش شد ای فدای بهای حضرت دوست
 من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فائی دیته.

غزل با این مطلع به خط اسرار در حاشیه نوشته شده:

هو الله تعالی

ای به ره جستجوی نعره زنان دوست دوست

گر به حرم گر به دیر کیست جز او اوست اوست

که در نسخه چایی مصرع دوم چنین آمده:

گر به حرم و ر به دیر کیست جز او اوست اوست

قوله: جهان چون نقطه بین در مرکز دال دو کون و یونس دل بطن نون است
 یعنی ظرفیت دو کون برای دل، چون ظرفیت بطن حوت است برای حضرت
 یونس. و معنی دیگر آنکه دل در دو کون چون بطن نون است که او باشد در میان
 دو نون، چه «ن» زبر و «نون» بینه اشاره به امکان ذاتی و امکان استعدادی است و
 چون امکان ظلمت است، در نون «ن والقلم» «ن» اشاره به مجردست و «واو» بینه
 «نون» اشاره به وجوبست که باطن و مقوم عالم امکان است و دو «واو» زبر و بینه
 «واو» اشارتست به وجوب سابقا و وجوب لاحق ممکن است چنانچه میر داماد اعلی
 الله مقامه در *جدوات* فرموده است. منه عفی عنه.

در غزل با این مطلع:

ما ز میخانه عشقیم گدایانی چند باده نوشان و خموشان و خروشانی چند

که در آخر به این دو بیت ختم می شود:

ای که مغرور به جاه دو سه روزی بر ما کشش سلسله دهر بود آنی چند

هر در اسرار که بر روی دلت بریندند رو گشایش طلب از همت مردانی چند

در دیوان چاپی (مدرسی ص ۶۱) این چهار بیت به صورت يك بیت آمده بدین نحو:
ای که مغرور به جاه دو سه روزی بر ما رو گشایش طلب از همت مردانی چند
در دیوان چاپی (سهیلی ص ۱۰۶) مصرع‌ها جابجا شده و به این صورت آمده:
ای که مغرور به جاه دو سه روزی بر ما رو گشایش طلب از همت مردانی چند
هر در اسرار که بر روی دلت بریندند کشش سلسله دهر بود آنی چند
بعد از این غزل با این مطلع:

گر آسمان دو سه روزی بمدا گردد بود که گوشه چشمی بسوی ما گردد
چهار غزل با این مطلع‌ها، در دیوان اصل نیست و جایش ورق سفید گذاشته
شده است:

در دل از شمع رخس انجمنی ساخته‌اند بی گل و سنبل و نسرین چمنی ساخته‌اند



هر آن کو دیده بگشاید بر او چشم از جهان بندد
ز جان یکسر برید آن کس که دل بر جان جان بندد



دل نبود آن دلی که نه دله باشد مشغله را کن یله مشعله باشد



بر دلم قهر و رضای تو لذید بر تنم رنج و شفای تو لذید
و بعدا غزل دوم «هر آن کو دیده بگشاید بر او چشم از جهان بندد» و غزل
چهارم «بر دلم قهر و رضای تو لذید» را/سرار در حاشیه با خط خود نوشته است.
قوله:

اینکه برت نور شد از ظلمت است قاعده با سر مخروط نور
مما یناسب الی سید العارفین امیر المؤمنین علیه السلام: اغفل الناس عن الله اکثرهم ذکرا.
در قافیه «ط» در نسخه اصل فقط غزل «رمیده بر رخ آن نازنین خط» آمده و
دو غزل - با این مطلع‌ها - را/سرار در حاشیه تحریر نموده است:

فسردگانیم از باده کو شط تا در وی افتیم غلتیم چون بط



هزاران آفرین بر جان حافظ همه غرقیم در احسان حافظ
مطلع غزل زیر را کاتب در نسخه يك خط سفید گزارده و بعداً/سرار با خط
خودش نوشته، که چنین است:

زور و زر می‌نگرد عجز و سکون آوردیم نخرد علم و خرد رو به جنون آوردیم
در هر دو نسخه چاپی اینطور آمده:
زور و زر ننگرد او عجز و سکون آوردیم نخرد علم و خرد رو به جنون آوردیم
و در آخر همین غزل جای بیت تخلص سفید مانده، و در هر دو چاپ این بیت
آمده است:

شیئی الله زدم اسرار به هر در نگشود عاقبت روی طلب سوی درون آوردیم
قوله:

از عشق نکوهش منما خسته‌دلان را گر خامه صنعیم چه زیبا و چه زشتیم
جواب شیخ که:

خرما نتوان خورد ازین خار که کشتیم دیبا نتوان بافت ازاین پشم که رشتیم
در مدح حضرت پیمبر ﷺ اسرار این غزل را سروده:

از بهترین سلاله آدم توئی مهین بر مهترین کلاله حوا توئی مهین
در خاتم رسالتی ای ختم انبیا همچو نگین به خاتم و چون نقش درنگین
تو بدر ازهری و همه انبیا سها تو مهر انوری و نجومند مرسلین
بجز است علم و طفل دبستانت ار بود آن بحر بیکران و پر از لؤلؤ ثمین
پیشت خرد زدانش اگر دم زند چنانست کآید مگس بعرضه عنقا کند طنین
اندر بیان بدیع معانی حکمتت چون در شکر حلاوت و شهد اندر انگبین
از شوق ذروه تو فلاطون فیلسوف مست و خراب بوده و چون باده خم‌نشین
اسرار در جمال و جلال تو فانی است صل علیک ثم علی الآل اجمعین
در نسخه اصل مطلع غزل نیامده و جای بیت آخر نیز در متن سفید مانده است.
در این غزل:

خوشا جانی که جانانش تو باشی خوشا دردی که درمانش تو باشی
بباید ترک جان گفت و بسر رفت به آن راهی که پایانش تو باشی

نه با ایمان بود کارش نه با کفر هر آن کس کفر و ایمانش تو باشی
خرد زنجیری و دیوانه‌ای شد که خود زنجیرجنبانش تو باشی
بشویی پا و سر در عشق اسرار که شاید گوی چو گانش تو باشی
در غزل فوق دو تفاوت در نسخه اصل هست یکی در بیت چهارم، که چنین
است:

خرد زنجیری دیوانه‌ای شد که خود زنجیر جنبانش تو باشی
که کلمه واو که در نسخه چاپی هست ولی در نسخه اصل به چشم نمی خورد.
دیگری بیت پنجم در نسخه اصل وجود ندارد و جایش سفید مانده و گویا آن را
بعد از اسرار کسی سروده تا غزل بدون تخلص نماند.
در ساقی‌نامه، بیت ششم در دیوان چاپی چنین است:
ز وحدت دلا تاکی اندر شکی یکی گو یکی دان یکی بین یکی
در متن دیوان اصل چنین آمده:

ز دعوت دلا تاکی اندر شکی یکی گو یکی دان یکی بین یکی
و در حاشیه، اسرار به خط خود چنین تصحیح کرده است:
به کثرت دلا چند وابستگی یکی گو یکی دان یکی بین یکی
حواشی اسرار در اینجا پایان می‌یابد. و مشخصات این نسخه چنین است:
محل نگهداری: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، به ش ۵۵۷۴، کاتب محمد بن
مرحوم کربلایی فاضل سبزواری، اتمام کتابت در عصر سه شنبه ۱۴ ذی‌قعدة ۱۲۶۴
ق، دارای ۱۶۴ صفحه، هر صفحه در ۱۴ بیت تحریر شده است.

در اول نسخه تملك شاعری به نام احمد با مهر بیضوی «یأتی من بعدی اسمه احمد»
دیده می‌شود. این شاعر در آخر نسخه، خود را احمد خسروآبادی معرفی نموده که در
اشعارش «انجم» تخلص می‌کند و اشعاری از خود را تحریر نموده است، که عبارتند از:
دردم زحد افزون شده و دادرسی نیست درد آ که به درد من بیچاره کسی نیست
تسراج دلم کرد نگاری که ز دستش هر جا که روم شکوه کنم دادرسی نیست
زاهد به ره کعبه و راهب به در دیر جز یاد خدا در همه جا ملتسمی نیست
از دل شده گان پرس ره و رسم محبت کاین طائفه جز دادن جانشان هوسی نیست

تا به عارض زلف مشکین را پریشان کرده‌ای نافه‌سا مشک ختن در شهر ارزان کرده‌ای
در بهای بوسه‌ای جان می‌دهم کز آنکه تو قیمت هر بوسه را دادن جان کرده‌ای



ساقی امشب می از اندازه فزون می‌دهدم از خم می می آلوده به خون می‌دهدم
من به آن گوشه ابروی دل آرام خوشم او مرا سر سوی صحرای جنون می‌دهدم
آیتی از ورق دفتر حسنش خواندم دیدم آنهم خبر از سجن زبون می‌دهدم
شخص بیمار من از دست طبیب است مریض نه مرا مرگ و نه صبر و نه سکون می‌دهدم



خوش آن کسی که ز صهای عشق لبی تر کرد به راه میکده هر خاک بوده بر سر کرد
حدیث عشق تو را هر کسی بطوری گفت ازین میانه ندانم کدام باور کرد
فقیه مدرسه ما را نداد درس و داد مگر به مدرسه تحصیل درس دیگر کرد
ز واقفان حقیقت رموز عشق بخواه که داستان محبت نشاید از بر کرد
خبر شوید حریفان که باز مفتی شهر شکست توبه و می از سبو بساغر کرد
ز جام باده تحقیق جرعه‌ای نوشید که ترک مسجد و محراب و وعظ و منبر کرد



جام وحدت طلب از پیر مغان باید کرد سر سودای ترا چند نهان باید کرد
به سر دار فنا نعره زنان باید رفت سر هر کوچه و بازار عیان باید کرد
من که از پیروی شیخ ندیدم ثمری بعد از این پیروی مغیجگان باید کرد
زاهد ار راه به معنی نبرد خورده مگیر طالب راه چرا از حیوان باید کرد
عزلت از هرچه بجز دوست مرا سخت نکوست خدمت دوست بلی از دل و جان باید کرد
خرقه و سبحة و سجاده مرا کرد ملول چاره رفع غم از رطل گران باید کرد
کعبه دل نشد از مدرسه معمور چه سود که مرا در سر این مایه زیان باید بود
«انجم» آسودگی هر دو جهان می‌خواهی ترک هم صحبتی اهل جهان باید کرد

اما مشخصات چاپ‌های دیوان / سرار چنین است:

الف) تهران، سلسله نشریات ما، ۱۳۷۰ش، ۲۹۵ص، با تصحیح احمد کرمی، با
مقدمه علی فلسفی و پس از پایان اشعار، زندگی‌نامه سرار به قلم نوه وی ولی‌الله بن

محمدابراهیم اسراری سبزواری از ص ۱۹۹ تا ۲۹۵ و در صفحه آخر شجره‌نامه خاندان اسرار در يك صفحه آمده است.

ب) تهران، انتشارات محمودی، به ضمیمه شرح حال و آثار مؤلف به قلم مرتضی مدرسی چهاردهی، بدون تاریخ، رقعی، ۴۶+۱۳۹ ص.

۴-۴. سوال و جواب‌های جدید

۴-۴-۱. نامه ملا اسماعیل میان‌آبادی

در رسائل حکیم سبزواری (ص ۷۸۵-۸۲۳)، جواب‌های ملاهادی سبزواری به ملا اسماعیل میان‌آبادی به چاپ رسیده، ولی اصل نامه میان‌آبادی چاپ نشده است. اخیراً در نسخه‌ای -تحریر شده در سال ۱۲۸۵ق- اصل این نامه به دست آمد، که چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

روحی لكم الفداء. مدت‌ها می‌گذرد که نسیم التفات بر جان ارادت نشان نوزیده و لاتياسوا من روح الله:

ايا سادتی قد طال عهد فراقكم و قلبی حریق فی لظی اشتیاقكم
نقول عظامی بعد ما متّ فی الهوی فیالیتی كنت تراب رواقكم
یلوح لروحي نفحة القدس حیثما بفوح نسیم من شمیمی خلاقكم
و یقتبس السعدان منی سعادة اذا اتصلت بی نظرة من حداقكم
هرگاه توجهی از باطن سرکار بشود زیاده طالب و راغب و شایق خدمت با سعادت هستم. چند فقره عرض هست که تحریر میشود، جواب آن را -کما فی السابق زحمت کشیده- مرقوم فرمایند، که باعث هدایت گمراهان و دور افتادگان قرب تحقیق و حق باشد.

بینوا سلمکم الله تعالی معنی عروج عیسی علی نبینا و علیه السلام الی الافلاک و کونه حیا بالحیوة الطبیعیة فی الفلک و نزوله فی آخر الزمان الی عالم العناصر و اقتدائه بجناب المهدي عليه السلام، مع انه قال عزّ من قائل فی الكتاب الالهی: یا عیسی انی متوفیک و رافعک الی. و اهل التفسیر اولوا الوفاة بتسخیر

الدواعی النفسانية و اجمعوا على انه رفع الى السماء بهذه الحيوة الظاهرية العنصرية مع ان العروج الظاهري الى ظاهر السموات مستحيل عقلا، لموانع كثيره من امتناع حركة العنصر الى الافلاك و عروجه من مكانه الطبيعي و عدم امكان التجاوز من كرة الزمهرير و كرة النار و عدم جواز خرق الاجسام الفلكية و امتناع حيوة الجسم العنصرى فى الافلاك و المعقول انه ﷺ عرج بروحه المطهر الى باطن الافلاك و هو نفس الفلك الرابع مثلا المدبر لجسم الفلك الرابع، فحيئنذ يكون نزوله فيما بعد الى عالم العنصر بظهوره فى جسد شخص كامل سيوجد بعد لا انه بجسمه الشريف ينزل من السماء الى الارض، هل هذا هو المراد؟ او له معنى آخر؟ بينوا.

و بينوا ايضا سلمكم الله تعالى حقيقة الجن و مرتبه وجوده.

و بينوا ايضا كيفية برد النار على ابراهيم ﷺ و معنى قوله تعالى: يا نار كونى بردا و سلاما على ابراهيم، اذا كان الحرارة لازمة لوجود النار كيف يتعلق الامر ببرده؟ و فى قوله «على ابراهيم» اشارة ظاهرة على انه وجدت حالة فى جسمه الشريف حتى انه لا يوتر فيه حرارة النار و لو فرض انه يلقى فيها غيره لمحرق بدون الشك، فبينوا ان وجود هذه الحالة بدون الاسباب الظاهرة كيف يتصور؟ و ان كان للآية معنى آخر بينوا.

روحى فداك قد سنح بخاطرى الفاتر فى بعض الاوقات ان العالم بشراشره مظاهر صفات الله و من جملتها القدم فقدم الله تعالى و ازليته ظاهر فى مظاهر العالم و العالم مجالى لازلية و دوامه بقاءه و سرمديته، فاذن لا اول للعالم من هذه الحيثية و لا آخر لها. و هذا القدم لكونه عكس قدم الله عين الحدوث، فاذن قدم العالم بمعنى حدوثها و حدوثها عين قدمها و هذا القدم ليست ذاتية للعالم بل عارضة لها، بينوا هذا صحيح ام لا؟.

بعد از آن جواب حكيم سبزواری با این عبارت: «الحمد لله على آلائه و الصلوة و السلام على جميع انبيائه و اوليائه سيما محمد اعظم احبابه و آله الهداة اماجد اودائه. فقد سئلنى العالم الفاضل المهتدى للهدى للهوادى... « شروع مى شود كه در مجموعه رسائل آمده است.

۲-۴-۴. تحفه رضویه

سوال و جوابی است در دو صفحه که آن را سید موسی در ضمن مجموعه‌ای تحریر نموده و به احتمال قوی از آن حکیم سبزواری است. (نسخه ش ۱۶۰۰۴ کتابخانه مرعشی).

۳-۴-۴. جنگ مدرسه سپهداری

جنگ فلسفی است که به دست یکی از حکیمان سده چهاردهم - گویا علی بن محمد شریف حولائی - در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۳ ق، جمع آوری و تحریر گردیده و در آن مطالب و رساله‌های فلسفی و اعتقادی را از حکیمان از جمله حکمای معاصر خود - حکیم سبزواری و دیگران - جمع آوری نموده است. این جنگ در مدرسه محمدابراهیم خوانساری به ش ۱۱۷ در اراک نگهداری می‌شود (فهرست دو کتابخانه اراک، ص ۱۲۴) و به لطف دوست دانشمند و محقق جناب آقای حضرتی تصویری از آن در اختیار این حقیر قرار گرفت. در این جنگ علاوه بر رساله‌های فلسفی، چند مطلب و رساله از حکیم سبزواری و چند مطلب و رساله بدون ذکر نام مؤلف، درج شده، که به گمان نویسنده مطالب بدون مؤلف نیز از آن حکیم سبزواری می‌باشد که کاتب جنگ از روی تحقیقات حکیم سبزواری، نوشته است. امیدوارم با تدقیق خوانندگان گرامی، وضعیت دقیق این مطالب روشن گردد. عنوان این مطالب - مطالبی که از آن حکیم سبزواری بوده و مطالبی که مؤلف آنها شناخته نشده، ولی سیاق آن‌ها با نوشته‌های سبزواری یکی است - عبارتند از:

۱. مباحثی است در توحید، تجسم اعمال و تجوهر اعراض و معراج حضرت پیامبر (ص). (ص ۲۶-۲۹).

آغاز: توحید باعتبار متعلق منقسم می‌شود بتوحید الواجب و توحید المعبود و توحید المطاع و توحید الوجود.

۲. رساله در افعال عباد (ص ۵۵-۶۰).

آغاز: بسمله. اعلم ان افعال العباد دائرة بحسب الاحتمال العقلي بين امور.

۳. رساله فی الصلوة و شرح حقیقتها (ص ۶۱-۷۴).

آغاز: بسمله. الحمد لله الذی خص الانسان بشرف الخطاب.

۴. معنای دین، فارسی (ص ۷۵).
۵. جواب سوال محمداسماعیل عارف بروجردی (ص ۷۶-۱۳۲)
از: حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری
همان که در مجموعه رسائل حکیم سبزواری (ص ۴۵۷-۵۸۳) به چاپ رسیده است.
آغاز: بسمله. الحمد لله الودود فیاض الوجود.
۶. فائده‌ای در تعریف ادراک به عربی (ص ۱۳۳-۱۳۴)؛
۷. تاویل لآیه النور من افادات المحقق السبزواری (ص ۲۲۷-۲۲۹)؛
۸. مطلبی در عشق الهی، فارسی (ص ۳۱۹)؛
۹. شرح کوتاه فقره دعای صحیفه سجادیه «لک یا الهی وحدانیه العدد» و توضیح چند حدیث دیگر (ص ۳۲۰-۳۲۱)؛
۱۰. رساله در رفع تعارض بین دو حدیث نبوی (ص ۳۲۲-۳۳۷)؛
آغاز: اعلم ان هنا مرسلتين معضلتين دائرتين على اللسنة و ان لم ارهما مستند في كتاب من كتب الاصحاب بل الى اصحاب العصمة احديهما معاضدة لما قلناه و الاخرى معارضة و يعجبني الان التعرض لهما بعون الله المنان و نبينهما في شرق و برق، شرق روى عن النبي ﷺ انه قال انا اولى بشك من ابى ابراهيم... برق روى عن النبي ﷺ انه قال لا تفضلوني على الانبياء الا يونس بن متى.
۱۱. شرح حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربه (ص ۳۴۶-۳۶۱)
شرح نسبتاً طولانی است بر حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، در آن از شیخ یوسف بحرانی و کتابش الدرر النجفیه و آقا محمد بیدآبادی و کتاب سرمایه ایمان عبدالرزاق لاهیجی، یاد شده است.
آغاز: و تحقیق المقام يتوقف على بيان اقسام المعرفة و بيان ما يمكن حصوله للعباد.

(۵)

تازه‌یافته‌ها درباره سبزواری

چون بحث از ملاهادی سبزواری است و او به شهر عالم‌خیز سبزواری تعلق دارد بی‌مناسبت نیست که چند اطلاع جدید درباره سبزواری که نگارنده، بدان‌ها دسترسی پیدا کرده، تقدیم دانش‌پژوهان این شهر فرهنگ نماید.

۵-۱. عبدالعلی سبزواری

وی از دانشمندان و عارفان سده نهم هجری است. از آثار وی نسخه‌ای است که از کتاب شرح عبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۰ق) بر قصیده تائیه ابن فارض موسوم به «کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدر» نگاشته است. این نسخه دارای ۲۰۸ برگ و به خط تعلیق زیبا تحریر گردیده و کاتب در ترقیمه نسخه خود را چنین معرفی نموده است:

وقع الفراغ من تحريره في تاسع رجب المرجب عمت میامنه لسنة اثنتین و خمسين فثمانائة هجرية نبوية و الکاتب الفقیر الجانی عبد العلی بن محمد السبزواری غفر الله له و لوالديه و صلی الله علی محمد و آله و صحبه اجمعین بمدينة سبزوار صانها الله عن الاخطار.

بدین ترتیب او در سال ۸۵۲ق این نسخه را در سبزواری تحریر نموده است. یادداشت‌های دیگری که در برگ‌های آغازین و آخری این نسخه به خط همین کاتب تحریر شده، نشان می‌دهد که او این نسخه را برای خودش تحریر نموده و خود از عارفان و دلسوختگان شهر سبزواری در سده نهم هجری بوده است. بخشی از این یادداشت‌ها که اشعاری پارسی است، عبارتند از:

ما را غمت آواره کشورها کرد و ندر طلبت حلقه زن درها کرد
عشق تو چو ریش بود در سی‌نه ما بسیار بماند و عاقبت سرها کرد



بر من ستم زمانه می‌بین و می‌پرس اشکم چو انار دانه می‌بین و می‌پرس
احوال درون خانه از من مطلب خون بر در آستانه می‌بین و می‌پرس



در عشق توام قرار شب خفتن نیست وز کوی توام ره برون رفتن نیست
دردا که درین واقعه مشکل صعب جان می‌رود و جای سخن گفتن نیست



فریاد ز دست خامه قیراندود کوراز دلم به دشمن و دوست نمود
گفتم که زبانش بهرم گنگ شود بپریدم از آن فصیح تر گشت که بود



دل یاد تو می‌کند چه تدبیر کنم این قصه و حال با که تقریر کنم
روزی صد بار این دل کافر من آید بر تو گرش نه زنجیر کنم



رفتم به کلیسای ترسا و یهود ترسا و یهود را همه رو به تو بود
از درد دل خود به خرابات شدم تسبیح بتان زمزمه عشق تو بود



در سر هوس وصال و هجران بنماند در دل اثری ز کفر و ایمان بنماند
زین واقعه‌ای عجب نیفتد کس را جان رفت و جهان گم شد و جانان بنماند



صد بار بگفتمت که ای درّ خوشاب دریاب مرا و خویشتن را دریاب
کایام چنان شود که شب‌ها گذرد کز دور خیال هم نه بینم بخواب



ای یاد تو گنج هر فقیر و درویش وی لطف تو مرهم شفای دل ریش
هر دل که به درد عشق تو انس گرفت بگذشت ز جسم و جان و بیگانه و خویش



در چین و خطا و مصر و شام و تبریز کس چو تو نیت دلبر شور انگیز
گفتم ز لب پیکاله‌ای نوش کنم چشمت به کرشمه گفت کج دار و مریز



بر دل چو شکفته گشت اسرار غمت ندهم به همه کل جهان خار غمت
ما پشت سوی جهان شادی کردیم زین پس رخ زرد ما و دیوار غمت



قال النبي ﷺ: لكلّ شئ مفتاح و مفتاح الجنّة حبّ المساكين و الفقراء.



تا دل ز بد و نیک جهان آگاهست دستش ز بد و نیک جهان کوتاه است
زین پیش دلی بود و هزار اندیشه اکنون همه لا اله الا الله است



گر گوید خون گری مگو از چه سبب ور گوید جان بده مگو کی باید



معتقد باش و دور از انکار تا بدانی دلا حقیقت کار



للشیخ السعید شیخ سعدالدین الحموی:
حق جان جهان است و جهان جمله بدن املاک لطایف و حواس آن تن
افلاک و عناصر و موالید اعضا توحید همین است دگرها همه فن



این نسخه به شماره ۴۴۱ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.

۲-۵. ملا نظر علی سبزواری

در نسخه مختصر المعالی تحریر جان محمد بن محمد بن یارمحمد در نهم ربیع الاول
۹۹۶ این یادداشت ثبت شده است:

دو مجلد مختصر تلخیص و یک جلد متوسط و یک جلد حاشیه ملا عصام بر
شرح جامی و یک جلد مطالع الانظار بر شرح طوابع الانوار از مال
صلاحیت آثار ملا نظر علی سبزواری نزد رفعت پناه استاد ملک صباغ به
مبلغ پنج هزار دینار مرهون است.

این نسخه به شماره ۴۶۸ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.

۳-۴. ملا محمد شفیع سبزواری

وی کتاب الاستبصار شیخ طوسی را تحریر و در ترقیمه آن، خود را چنین معرفی
نموده است:

قد تمّ کتاب الاستبصار فیما اختلف من الأخبار و صلوته و سلامه علی نبیه
و حبیبیه المختار و اهل بیته الاطایب الأطهار آناء اللیل و اطراف النهار و قد
سوّده و نسخه لأجله و لمن ینتفع به من المؤمنین محبهم محمد شفیع بن حیدر
علی السبزواری حامداً لله علی توفیقه و تائیده، مصلیاً علی محمد وآله و
سائلاً من الله تائیده فی شهر جمادی الاول سنة ۱۰۶۷ق.

این نسخه به شماره ۸۷۴ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



<p>ز تار موی شبکنت نمودی نیرم بدو ما بفرها تا بر افروزد فروغی شعله روت</p>	
<p>دل افردی اسرار از این زهد و یاد دارد چه شد آن برق عالم سوز عشق آتشین</p>	
<p>چه اختر کز محبت زد و دست محبت نیست این دریا خون است کز آن جمله یکی کرد و دست کنون ما وای ما ملامت خون است کد عشق خری پیشم زد و دست دو کون و یونسول طین خون است غریب سخن ساز از غنوم است و ناز و خشنین کاز و خون است با و هر چند بنام سکون است هر آن جنبش که در پیشم نکند است</p>	<p>مرا از عشق لب بر ز خون است مکو عشق این نهنگ آتشین است بسی بی پای و سر دارد به سر است شدیم از شهر بنی عقل برین است من آن سیمخ کوه قاف عشقم جهان چون نقطه بی درم کز زال بگوثر ما بود هر نغمه موزون هر عالم حرو و غوغا سخن است از او در جنبش آمد کوه کل چو او را نیست حلقی استوار است</p>

Handwritten marginal notes in Persian script, likely commentary or additional verses related to the main text.

دستخط حکیم سبزواری در حاشیه برگگی از دیوانش

نسخه شماره ۵۵۷۴ کتابخانه آیت الله مرعشی

آی فساد آیا الطالب الی جمیع الازلی الذی وجرت به مشایخ حجتی
 العرفان بالنسبة الی صبیه اصحابی کالاطفال سوار منم المعاصرون
 لی والمقدرون علی بالزمان وکلیف لاشع
فصلی ۳ **فصلی ۴**
 ومن فضل ما اسادت شرب معاصری ومن کان قبلی فالفضائل
 اسادت بقیة الکاس سوراً وهو بقیة الشراب والشرب النسیب
 والفضلة شیء زائد عن الحاجة یعنی حظ معاصری من الجمع هون
 بقیة اسادتها وابتعتها فی الکاس واما المتقدمون وان كانت لهم
 فضیلة بسبق الزمان علی فالفضیلة عندی فضلة لا یوجبها لما
 تقدم من البیان الکاشف عنه وهذا الکلام یجوز علی شوال الحیاة
 بلسان الجمع عن المقام المجدی کما سبق مراراً وهذا احزماً
 اردنا ایراد میف هذا المختصر من شرح القصیة بعون الله و
 حسن توفیقه وقع الفراغ من تحریره فی تاسع رجب المرجب
 عت میامنة لستة اثنین وثمانین وثمانین بهجریة بنویته
 و الکاتب الفقیر الجانی
 عبدالعلی بن محمد السبزواری
 غفر الله له ولوالدیه وصلى الله
 علی محمد وآله وصحبه اجمعین
 بمدرسه سبزواری صاننا الله عن
 الاخطار
 تامل وکان الایضاً فی الایضاً
 ای الایضاً فی صحیح

عدد دیارات
 من نقصان
 والبصائر و
 المستوی ان یجب من
 موضع مطلع الشمس اذا
 استوی الليل والنهار
 صحیح

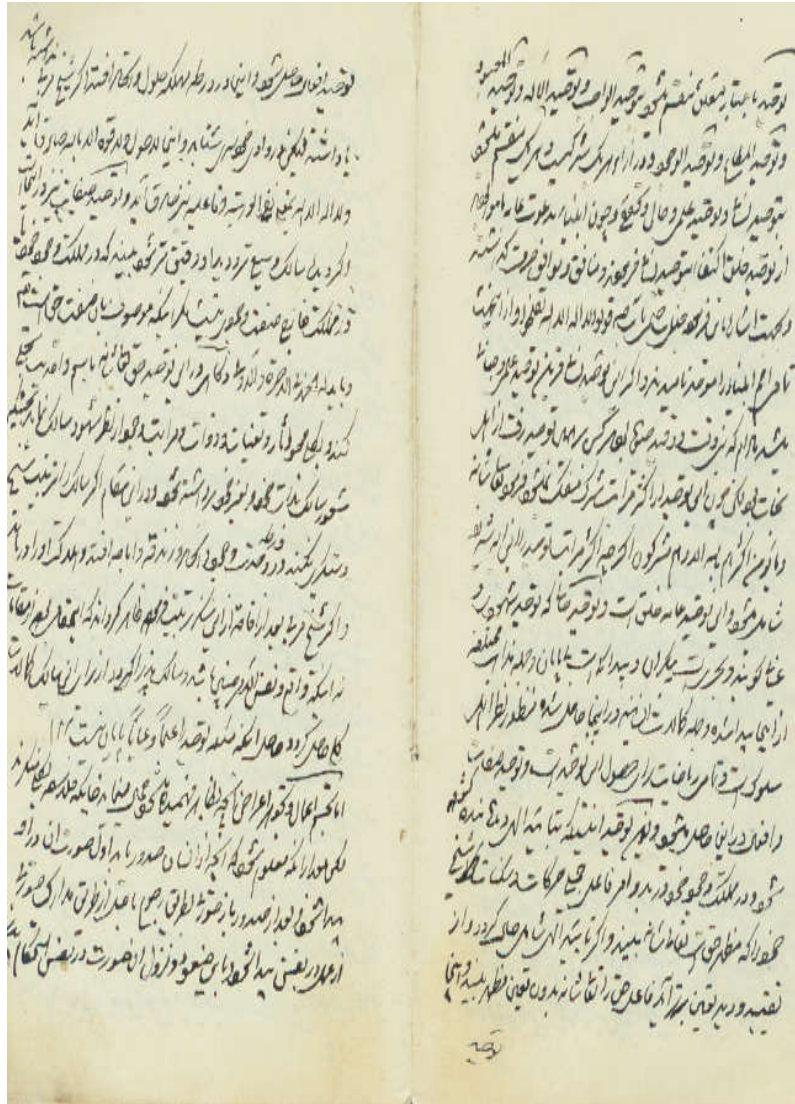
حدیث الایضاً
 دو اوجه صحیح

البصائر الی الایضاً
 یعنی انما الزوال او العقب
 عند الخدر ۳

دستخط عبدالعلی سبزواری در سال ۸۵۲ ق

تادوا كناية النور من انوار الحق بل
 ثم من اب العقد الولى العقد المسمى كسلاوي كما ترى من الصور
 وذلك من غير الخطه بل من غير المعنى بل من غير الماينه العقدين
 كغيرهما المحقولات في الولى العقد المسمى كسلاوي كما ترى
 المحقولات الماينه المحبته والمحبين الماينه المحبته كسلاوي
 وهو انه جعلت العقد من غير الماينه المحبته كسلاوي
 تسببا في عدم صحة العقد من غير العقد المسمى كسلاوي
 انه وشاهد العلم ان العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 انه فيها القدره خطه من العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 بين العقد المسمى كسلاوي والعقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 التقصير القدره من العقد المسمى كسلاوي وكان المقام في العقد المسمى كسلاوي
 اذ انما ذكره ان العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 صارت عقد المسمى كسلاوي هو احد المدارك المهم لترتيب العقد المسمى كسلاوي
 بعد واحد وصورة واحدة المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 رتبة خطه من غير العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 والعقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 ولما لم يكن العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي
 في القرآن الجواب المسمى كسلاوي هو العقد المسمى كسلاوي من غير العقد المسمى كسلاوي

تأويل آیه نور از محقق سبزواری
(جنگ مدرسه حاج محمدابراهیم خوانساری)



صفحه اول مطالبی در توحید و... (جنگ مدرسه سپهداری)

